کشف ۱۵ هزار لیتر سم تقلبی در رفسنجان

پلیس رفسنجان پس از آگاهی از فروش سم تقلبی، موضوع را در دستور کار قرار داد. فرمانده انتظامی رفسنجان افزود: مأموران در تحقیقات، شخص مورد نظر را شناسایی و از محل کسب وی بازدید کردند و موفق به کشف ۷۵۰ گالن ۲۰ لیتری سم تقلبی شدند. سرهنگ عباسی افزود: سموم کشف شده در مجموع ۱۵ هزار لیتر بوده که نمونه‌ای از آن به آزمایشگاه ارسال و از تقلبی بودن آن‌ها اطمینان حاصل شده است و سموم کشف شده به همراه متهم پرونده به مقر پلیس دلالت و متهم روانه دادسرا شد.

خط زرد

علایم مسمومیت با منواکسید کربن چیست؟

* منواکسید کربن را گاهی مقلد بزرگ می نامند زیرا علایم مسمومیت آن شبیه آنفلوآنزای خفیف است. گاهی تشخیص بین آنفلوآنزا و مسمومیت با CO بسیار سخت است.
* **علایم خفیف**: سردرد، تهوع، استفراغ، تحریک پذیری، دردقفسه سینه و قلب، تاری دید.
* **علایم متوسط**: علایم خفیف به علاوه خواب آلودگی، احساس ضعف، سرگیجه، بی حالی، سردرد شدید، مشکل در فکر کردن.
* **علایم شدید**: علایم متوسط به علاوه افزایش سرعت تپش قلب، ناتوانی در تکلم، آسیب مغزی مداوم، گرما، تشنج، مرگ.

*معمولاً شخص مسموم متوجه علایم ضعیف نمی شود و به سرعت به سمت علایم شدید و حتی مرگ، پیش می‌رود. به همین دلیل نشانگر منواکسید کربن در منزل حتماً باید وجود داشته باشد. **دکتر علی پرهیزکار**

حادثه در قاب

سقوط دکلی در پی بارش‌های اخیر موجب قطع برق ملایر شد

اخبار

جوان قزوینی قربانی تیوب سواری شد

تیوب سواری در اقبالیه سبب کشته شدن یک جوان ۲۵ ساله شد. مسئول کمیته مدیریت بحران دانشگاه علوم پزشکی قزوین در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: ساعت ۱۸ و ۳۱ دقیقه دوشنبه طی تماسی مبنی بر سقوط فردی، تکنسین های اورژانس به محل اعزام شدند و به سرعت به بررسی وضعیت مصدوم حادثه پرداختند. این در حالی بود که فرد آسیب دیده بر اثر شدت ضربه وارده دچار افت هوشیاری شده بود. فخار سلیمانی خاطرنشان کرد: به سرعت عملیات احیا روی فرد مصدوم صورت گرفت و سپس فرد احیا شده به بیمارستان شهید رجایی انتقال پیدا کرد اما به دلیل شدت ضربه وارده به قفسه سینه و سر، جان خود را از دست داد.

دستگیری ۳ مظنون به قتل سرپرست ثبت احوال کهنوج

۳ مظنون در رابطه با قتل سرپرست اداره ثبت احوال شهرستان کهنوج دستگیر شدند. فرماندار کهنوج روز گذشته در گفت و گو با ایرنا افزود: ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه دوشنبه ۲ فرد مسلح ناشناس، سرپرست اداره ثبت احوال شهرستان کهنوج را در محله وزیری کهنوج در مقابل منزلش با اسلحه به قتل رساندند. ابوذر عطاپور بیان کرد: افراد مسلح پس از این اقدام متواری شدند و تلاش برای دستگیری عوامل این حادثه توسط نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی شهرستان کهنوج آغاز شد و ۳ مظنون به قتل این جوان کهنوجی دستگیر شدند.

۳۲ کشته در واژگونی اتوبوس تایوانی

واژگون شدن یک دستگاه اتوبوس گردشگری در بزرگراهی در نزدیکی مرکز تایوان، ۳۲ کشته و ۱۲ زخمی بر جا گذاشت. به گزارش ایرنا، این اتوبوس که ۴۴ گردشگر سالمند تایوانی را از یک مزرعه در شهر «تی چون» به پایتخت باز می گرداند در نزدیکی شهر تایپه دچار حادثه شد. تایپه تایمز روز سه شنبه اعلام کرد که حادثه ساعت ۶:۲۱ دوشنبه رخ داد اما علت وقوع این حادثه هنوز اعلام نشده است.

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گرند بازداشت شد

سجادپور- مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گرند که پرونده وی به اتهام کلاهبرداری در حال رسیدگی بود دوباره با صدور دستور قضایی بازداشت و روانه زندان شد. معاون دادستان مشهد روز گذشته با بیان این مطلب و در گفت وگوی اختصاصی با خراسان گفت: در پی برخوردهای قاطع دادستانی مشهد با فروش اوراق موسوم به سهام از طریق شرکت های سرمایه گذاری سهامی خاص، هشدارهای جدی دستگاه قضایی به شرکت سرمایه گذاری گرند نیز داده شد تا این که با شکایت تعداد زیادی از شهروندان و خریداران اوراق موسوم به سهام که تحت تاثیر تبلیغات واهی گسترده این شرکت قرار گرفته بودند، پرونده ای در دادسرای عمومی و انقلاب تشکیل شد.

قاضی حیدری افزود: دستگاه قضایی ابتدا با درخواست استمهال مدیرعامل این شرکت برای پرداخت حق و حقوق شاکیان موافقت کرد اما وی به فرصت سوزی پرداخت و از این مهلت قانونی استفاده نکرد تا این که سال گذشته دستگیر و به اتهام کلاهبرداری از طریق فروش اوراق موسوم به سهام روانه زندان شد.

این مقام قضایی خاطرنشان کرد: چند ماه قبل، مدیرعامل این شرکت سرمایه گذاری با سپردن وثیقه به دادسرا از زندان آزاد شد تا این پرونده دیگر مراحل قانونی خود را طی کند اما پس از بررسی های دقیق مشخص شد که وی اسناد مربوط به تعاونی اعتباری منحله پیوند را به دادسرا ارائه داده است و از سوی دیگر نیز به احضارهای قانونی دادسرا بی توجهی می کند بنابراین بار دیگر با صدور دستورات قضایی، وی تحت تعقیب قرار گرفت تا این که امروز (روز گذشته) با همکاری و تلاش گسترده شاکیان دوباره دستگیر و روانه زندان شد.

پلیس گره کور پرونده جنایی را گشود

خودکشی در خانه یک دز د!

سیدخلیل سجادپور- پلیس با گشودن گره کور یک پرونده جنایی در مشهد، راز مرگ جوان ۳۰ ساله سابقه دار را فاش کرد. به گزارش خراسان، سال گذشته، جسد جوانی در منطقه نوده مشهد در حالی کشف شد که آثار کبودی روی گردن وی وجود داشت. جسد این جوان در زمینی مخروبه و کنار دیوار بلندی که آجرهای آن ریخته بود پیدا شد. فرضیه‌های اولیه پلیس بر خودکشی و یا سقوط هنگام بالا رفتن از دیوار متمرکز شد و بدین ترتیب، تحقیقات درباره چگونگی مرگ این جوان با صدور دستوراتی از سوی قاضی ویژه قتل عمد ادامه یافت. یکی از اهالی محل که با پلیس تماس گرفته بود، در اظهاراتش به مقام قضایی گفت: شب بود که صدای افتادن شیئی را شنیدیم، ولی با خودم گفتم احتمالا باز هم آجر از روی دیوار همسایه افتاده است اما نیمه شب وقتی برای تکاندن روفرشی بیرون رفتم، جسدی را کنار دیوار مشاهده کردم، اول ترسیدم ولی بعد که به خودم مسلط شدم، با پلیس تماس گرفتم. آن لحظه با خود اندیشیدم که جسد احتمالا مربوط به پسر همسایه است، به همین دلیل با او تماس گرفتم ولی آن جوان به تماس تلفنی پاسخ داد. وقتی موضوع را برایش شرح دادم، با خونسردی گفت کشف جسد کنار دیوار منزل به من هیچ ارتباطی ندارد! گزارش خراسان حاکی است: مدتی بعد از این ماجرا تحقیقات درباره جوان مورد ادعای همسایه به طور غیر محسوس و با صدور دستوراتی از سوی قاضی احمدی نژاد آغاز شد. بررسی ها نشان می داد جوان همسایه معتاد و دارای سابقه کیفری است و همه اعضای خانواده اش نیز در زندان هستند. با به دست آمدن این اطلاعات، متهم ۳۳ ساله بازداشت شد و در پلیس آگاهی مورد بازجویی قرار گرفت. این جوان که ابتدا سعی می کرد خود را بی خبر از ماجرا نشان دهد، گفت: شب حادثه من در منزل مادربزرگم بودم و از وجود جسدی کنار دیوار خانه ام اطلاعی ندارم اما وقتی در برابر شواهد و دلایل مستند قرار گرفت، به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: متوفی از دوستانم بود. شب حادثه نزد من آمد و گفت با تو کار دارم! من هم او را به آرامی به طبقه بالای منزل مان بردم. او متکایی زیر دستش گذاشت و در حالی که چهره ناراحتی داشت، مشغول تماشای تلویزیون شد. آن شب می خواستم نزد مادربزرگم بروم ولی دیدم که حال دوستم مناسب نیست چرا که او اختلافات شدید خانوادگی داشت و شب قبل از آن نیز چاقو کشی کرده بود. به همین دلیل رفتم تا مقداری مواد خوراکی بخرم. وقتی به منزل بازگشتم، با جسد حلق آویز دوستم رو به رو شدم. او با چادر مادرم خودش را حلق آویز کرده بود. من که ترسیده بودم با فندک چادر را سوزاندم و جسد او را از بالای دیوار به زمین مخروبه انداختم. پس از آن در خانه را قفل کردم و به خانه مادربزرگم رفتم. نمی توانستم موضوع را پنهان کنم. وقتی ماجرا را برای مادربزرگم باز گو کردم، او فقط گریه کرد و چیزی نگفت تا این که کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی به سراغم آمدند و دستگیر شدم.

گزارش خراسان حاکی است: تحقیقات بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد.

دستگیری آدم ربایان ۱۰ میلیارد تومانی شهرری

۵ آدم ربا در شهرری که قصد اخاذی ۱۰ میلیارد تومانی داشتند، شناسایی و دستگیر شدند. به گزارش ایرنا عصر سه شنبه ۲۸ دی ماه امسال، وقوع یک فقره آدم ربایی به کلانتری حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) اعلام شد. کمتر از ۲۴ ساعت از زمان آغاز تحقیقات پلیسی، فرد ربوده شده با حضور در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد که آدم ربایان ساعت یک بامداد چهارشنبه ۲۹ دی وی را در بیابان های اطراف بزرگراه شهید کریمی رها کرده و از محل متواری شده اند. وی به کارآگاهان گفت: آدم ربایان در ابتدا درخواست ۱۰ میلیارد تومان کردند که در نهایت به پنج میلیارد تومان آن را کاهش دادند. وی با بیان اینکه رابینده گان تمام مدارک و عابر بانک های همراهم را گرفتند، افزود: پس از رهایی متوجه شدم مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان از وجوه عابر بانک ها برداشت شده است. کارآگاهان در تحقیقات متوجه شدند همزمان با وقوع آدم ربایی، سرکارگر پروژه ساختمانی، موسی.ش محل کارش را ترک کرده است. موسی از ۴ سال پیش به عنوان کارگر ساده ساختمانی فعالیت می کرده و با جلب اعتماد ابوالقاسم.ح و فرزندانش به محل زندگی آنان نیز رفت و آمد و حتی مسئولیت تمامی امور مالی پروژه های ساختمانی و اطلاعات حساب های بانکی وی را نیز در اختیار داشته است.

کارآگاهان در بررسی سوابق 'موسی.ش' مطلع شدند که وی سال ۱۳۸۱ سابقه دستگیری در شهرستان میانه را دارد. در ادامه، محل سکونت موسی در کیانشهر شناسایی و مشخص شد با دو نفر دیگر به نام های اکبر (۳۱ ساله) و صادق (۳۶ ساله) در یک مجتمع مسکونی زندگی می کنند که اکبر یک دستگاه خودرو سواری سراتو و صادق کارگاه در و پنجره سازی (مشابه محل نگهداری فرد ربوده شده) در شهرستان اسلامشهر دارد. با انجام اقدامات ویژه پلیسی و اطمینان از مشارکت آنان در این آدم ربایی، در ۲۰ بهمن هر سه نفر در منطقه کیانشهر دستگیر شدند. در بازجویی و اعترافات این سه نفر، مشخص شد دو تن از دوستان اکبر به نام های مرتضی (۳۳ ساله) و علیرضا (۳۴ ساله) نیز در این آدم ربایی مشارکت داشتند که آن ها نیز دستگیر شدند. مرتضی و علیرضا پس از دستگیری، در اعترافاتشان عنوان کردند که در ازای دریافت مبلغ ۴۵۵ میلیون تومان حاضر به مشارکت در آدم ربایی شدند. سرهنگ کارآگاه حسین زارع، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، درباره این پرونده گفت: با اعتراف صریح متهمان به ارتکاب آدم ربایی، قرار قانونی از سوی بازپرس پرونده صادر شد و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند.

دستگیری دو مامور نمای مسلح در مشهد

دو پسر جوان که تجهیزات نظامی به همراه داشتند و با تهدید اسلحه کلت از دختران و پسران جوان اخاذی می کردند دستگیر شدند. فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اعلام این خبر گفت: در پی گزارش چند فقره اخاذی از دختران و پسران جوان در غرب مشهد و اظهارات شاکیان پرونده مبنی بر مسلح بودن دو مامور قلابی، دستور های لازم با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع برای پی گیری این پرونده صادر شد. سردار بهمن امیری مقدم افزود: بررسی های اولیه پرونده حاکی از آن بود که متهمان با معرفی خود به عنوان مامور از چند خانه مسکونی نیز اخاذی کرده اند.

وی گفت: تحقیقات گسترده پلیسی با انجام کنترل و مراقبت های ویژه نامحسوس آغاز شد و مامور ان کلانتری سجاد، عاملان این اقدام مجرمانه را به دام انداختند. وی خاطرنشان کرد: متهمان اعتراف کردند پس از جعل کارت شناسایی، یک قبضه اسلحه کلت و دو دستگاه بی سیم و دستبند و دیگر تجهیزات نظامی خریداری کرده اند. فرمانده انتظامی خراسان رضوی گفت: این دو مامور قلابی در پارک ها و خیابان ها با مراجعه به دختران و پسرانی که با هم نسبتی نداشتند، آن ها را سرکیسه می کردند و وجوه نقد و اشیای قیمتی شان را می گرفتند. سردار امیری مقدم با اشاره به این که تحقیقات در مورد این پرونده ادامه دارد گفت: دو جوان دستگیر شده هیچ گونه سابقه کیفری ندارند.

در امتداد تاریکی

ماجرای سرگردانی یک زن!

همسر و پسر ۳ ساله‌ام را نیمه‌های شب به منطقه‌ای دوردست در اطراف شهر بردم و در بیابان رهایشان کردم. تا این که...

جوان ۲۵ ساله که سراسیمه و آشفته وارد کلانتری شده بود با این ادعا که می خواستم همسرم را تنبیه کنم پرده از ماجرایی تلخ برداشت و به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: در خانواده‌ای رشد کردم که پدر و مادرم همواره با یکدیگر درگیری داشتند و در میان همین مشاجره ها و جدال های خانوادگی، پدرم، من و مادرم را به سختی تنبیه می کرد. او حتی برخی از خطاهای مرا نیز به حساب مادرم می گذاشت و او را به شدت کتک می‌زد. این کشمکش های تلخ از من کودکی گوشه گیر و منزوی ساخته بود تا جایی که حس انتقام جویی در وجودم شعله می کشید. آن زمان فکر می کردم قدرت زندگی در دستان مردی است که همسر و فرزندانش از او وحشت داشته باشند و همه حرف هایش را بی چون و چرا اطاعت کنند. در این شرایط و با وجود آن که علاقه‌ای به درس و مدرسه نداشتم تا مقطع دیپلم تحصیلاتم را ادامه دادم تا این که در شهرداری استخدام شدم و با پس انداز هایم یک دستگاه پراید مدل پایین خریدم. هنوز بیشتر از ۲۰ بهار از عمرم نگذشته بود که با دختری همسن و سال خودم ازدواج کردم. این در حالی بود که همواره مورد سرزنش دوستانم قرار می گرفتم چرا که آن ها معتقد بودند من زودتر از زمان معمول ازدواج کرده‌ام. در آغاز زندگی مشترک وقتی اختلافات شدید خانوادگی و ماجراهای تلخ و تنبیهات پدرم را به خاطر می آوردم تصمیم گرفتم کارهای او را تکرار نکنم تا مشکلی در زندگی خانوادگی ام نداشته باشم. پس از مدتی دچار بحران مالی شدم و به اصرار همسرم خودروی پرایدم را فروختم تا از این وضعیت اقتصادی رهایی یابم اما همین موضوع ریشه همه اختلافات و بدبختی های من در زندگی ام شد. چرا که تصور می کردم اگر اصرارهای همسرم نبود و خودرو را نمی فروختم، اکنون وضعیت مالی مناسبی داشتم. بارها از همکاران و دوستانم شنیده بودم که می گفتند زن می تواند همسرش را گدا یا پادشاه کند. این ضرب المثل حس انتقام جویی خطرناکی را در من به وجود آورده بود به طوری که به بهانه های مختلف او را با مگس کش و کمربند کتک می زدم و یا در انباری زندانی اش می کردم. در حالی که پسر کوچکم وارد سومین سال زندگی اش شده بود، همسرم هیچ گاه از من جدا نشد و همه چیز را تحمل کرد. اختلافات ما هر روز بیشتر می شد تا این که شب گذشته دوباره بهانه گیری کردم و تصمیم خطرناکی گرفتم. شب از نیمه گذشته بود که همسر و پسر سه ساله‌ام را به نقطه‌ای دوردست در بیابان های اطراف مشهد بردم و در تاریکی شب رهایشان کردم. بعد از آن تلفن همراهم را نیز خاموش کردم و به خانه بازگشتم تا بدین وسیله آن ها را تنبیه کرده باشم. ولی اکنون هیچ اطلاعی از آن ها ندارم... شایان ذکر است با دستور سرگرد زمینی (رئیس کلانتری سپاد مشهد) مأموران انتظامی با بررسی چندین فرضیه و انجام تحقیقات تخصصی موفق شدند همسر و فرزند مرد جوان را که با کمک یکی از شهروندان به حرم مطهر رضوی منتقل شده بودند، بیابند...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی